

نقش هوش معنوی و هوش هیجانی در پیش بینی اضطراب مرگ

The Role of Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence in Predicting Death Anxiety in Female Students

کبری کاظمیان مقدم / استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، دزفول، ایران (نویسنده مسئول)،
K.kazemian@yahoo.com
فرانک کلانتریان / کارشناس ارشد گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران، far.kalantarian@gmail.com

K. Kazemian Moghadam / Assistant Professor in Department of Psychology, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran (Corresponding Author).

F. Kalantarian / M.A. in Department of Counseling, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran

ABSTRACT

Several factors affect the level of death anxiety. Some studies have shown the role of emotional intelligence and spiritual intelligence in death anxiety. The aim of this study is investigating the role of spiritual intelligence and emotional intelligence in predicting death anxiety in female students of Islamic Azad University of Dezful. The statistical population of the study included all female students of Dezful Islamic Azad University. For this purpose, 260 female students were selected through simple random selection. To measure the research variables, the Spiritual Intelligence Scale exquisite et al (1389), shot Emotional Intelligence and death anxiety Naharyk et al were used. To analyze the statistical data, the mean, standard deviation, minimum and maximum scores and Pearson correlation coefficient and multiple regression were used. The results of the analysis of the

چکیده

عوامل متعددی بر سطح اضطراب مرگ مؤثر است. برخی از مطالعات، نقش هوش هیجانی و هوش معنوی را در اضطراب مرگ نشان داده اند. هدف این پژوهش، بررسی نقش هوش معنوی و هوش هیجانی در پیش بینی اضطراب مرگ دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود که ۲۶۰ نفر از دانشجویان به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش نامه های هوش معنوی بدیع و همکاران، هوش هیجانی شوت و همکاران و اضطراب مرگ ناهاریک و همکاران استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده های آماری از میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات و همچنین ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه

correlation coefficient between intellectual intelligence and emotional intelligence and death anxiety showed that there is a significant negative relationship between them. Besides, data analysis using multiple regression analysis showed that emotional intelligence and spiritual intelligence are determining in explaining and predicting 36 percent of the death anxiety variation. The results of this study showed that increasing the emotional intelligence and increasing spiritual intelligence can reduce the level of anxiety in the death of the elderly, and using spirituality can be a coping strategy for individuals.

KEY WORDS: spiritual intelligence, emotional intelligence, death anxiety.

استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل ضریب همبستگی ساده نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی با اضطراب مرگ رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی، ۳۶ درصد از واریانس اضطراب مرگ را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد افزایش هوش هیجانی و افزایش هوش معنوی افراد می‌تواند سطح اضطراب مرگ را کاهش دهد و استفاده از معنویت می‌تواند یکی از راهکارهای مقابله‌ای در افراد باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، هوش هیجانی، اضطراب مرگ.

مقدمه

مرگ واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است و ممکن است هر شخصی نسبت به آن برداشت و واکنش منحصر به فردی داشته باشد. مرگ به خاطر ماهیت پراز ابهام آن، برای بسیاری از انسان‌ها تهدیدآمیز است (هنری و پاتریک^۱، ۲۰۱۴). آگاهی از مرگ، غیرقابل‌گریز بوده و اضطراب همراه آن به رفتارهای گوناگون منجر می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی مردم با اضطراب مرگ روبرو می‌شوند، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند (گریونستین و بلوئمک^۲، ۲۰۱۶). اضطراب مرگ، یک اضطراب واقعی و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در سلامت روانی است (دهقان، شریعتمدار و کلانتر هرمزی، ۱۳۹۴). از نگاه هستی‌شناسی، اضطراب مرگ ممکن است به‌عنوان نوعی واکنش هیجانی منفی که به خودی خود وجود ندارند و موجب بروز پاسخ‌های منفی در فرد می‌شود، ایجاد شود که ریشه‌چنین واکنشی در سطح درک و خرد انسان است (بهرامی، مرادی، سلیمانی، و حسینی، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، انسان با سایر مخلوقات در تولد، بیماری، جوانی، بلوغ، سالخوردگی و مرگ سهیم است، ولی از میان همه جانداران تنها انسان است که به‌عنوان موجودی هوشمند می‌داند که روزی خواهد مرد و تنها انسان است که قادر است پایان کار خود را به انتظار کشد. مرگ واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است

۱. Henrie, J & Patrick, J.

۲. Grevenstein, D & Bluemke, M.

و هر شخصی ممکن است نسبت به آن برداشت و واکنشی منحصر به فرد داشته باشد. اضطراب و ترس از مرگ در میان تمام فرهنگ‌ها رایج است و گروه‌ها و ادیان مختلف به شیوه‌های گوناگون با آن برخورد می‌کنند (هورتا و یاپ^۱، ۲۰۰۶). مرگ، واقعیتی در زندگی است، حتی مفهوم مرگ در مقایسه با مفهوم زندگی جذاب تر است. از نظر اسلام، اعتقاد به مرگ که سرآغاز زندگی جاوید اخروی است، لازم و شرط مسلمانی می‌باشد. برزخ دادگاه الهی است، مرگ گذرگاه است، بهشت و دوزخ در حقیقت تجسم اعمال نیک و بد انسان‌هاست. نظریه پردازان حوزه روان‌شناسی مانند فروید، مرگ را غریزه می‌دانند که به طور تهاجمی عمل می‌کند. پس ترس از مرگ، ترس از تنها شدن و تغییر در زندگی است. بنابراین، ادراک مرگ همان ادراک و تصور ترسی می‌باشد که در فرد به وجود می‌آید و بزرگترین چالش زندگی انسان به شمار می‌رود. روان‌شناسان معتقدند: ادراک مرگ با واکنش شوک همراه است و سپس آن را انکار می‌کند. در مرحله بعد، از رخدادی که قرار است به وقوع بپیوندد یا پیوسته است، دچار خشم و ناراحتی می‌شود. سپس درصدد توجیه، خواهش و دستیابی به جایی می‌باشد که او را نجات دهد و هنگامی که ناامید می‌شود، اندوهگین می‌گردد و در نهایت می‌پذیرد (قاضوی، ۱۳۸۹).

از آنجایی که مرگ هرگز تجربه نشده و هیچ‌کس آن را به وضوح لمس نکرده، همه به نوعی در مورد آن دچار اضطراب هستند، ولی هرکس بنا بر عوامل معینی درجات مختلفی از اضطراب مرگ را تجربه می‌کند (قاسمی طوسی، شمسایی و مزدارانی، ۱۳۹۵). ترس از مرگ، نوعی اضطراب در حیطه روان‌پزشکی است. بلسکی^۲ (۱۹۹۹) آن را افکار، ترس‌ها و هیجانات مرتبط به واقعه پایانی زندگی و فراتر از حالت نرمال زندگی می‌داند. اضطراب مرگ، به‌عنوان یک ترس غیرعادی و بزرگ از مرگ همراه با احساساتی از وحشت از مرگ یا دلهره هنگام فکر به فرایند مردن یا چیزهایی که پس از مرگ رخ می‌دهند، تعریف می‌شود (رایس^۳، ۲۰۰۹).

نتایج به دست آمده از مطالعات تورسن و پوول^۴ (۲۰۱۵) نشان داد که زنان نسبت به مردان از اضطراب مرگ بیشتری برخوردارند و افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن، اضطراب مرگ بالاتری را گزارش دادند. آردلت و کوپنگ^۵ (۲۰۱۶)، در مطالعات خود دریافتند که جهت‌گیری مذهبی درونی، به میزان زیادی با پذیرش مرگ همبستگی دارد و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به میزان زیادی با اضطراب مرگ همبستگی دارد. راتلج^۶، ارندت^۷ و گلدنبرگ^۸ (۲۰۰۴)، معتقدند که اضطراب مرگ

۱. Huerta, A & yip, M.

۲. Belskey, J.

۳. Rice, Jj.

۴. Thorson, J & Powell, F.

۵. Ardel, M & Koening, C.

۶. Routledge, C.

۷. Arndt, C.

۸. Goldenberg, J.

ناهنسیار ممکن است برای سلامتی افراد، تهدیدکننده باشد. آنها معتقدند: وقتی نگرانی‌های مرتبط با مرگ در زیرسطح آستانه هشیاری فعالیت می‌کند، رفتارهای دفاعی اساسی تحت تأثیر اعتماد به نفس بالای این افراد قرار گرفته و بدون توجه به وضعیت سلامتی، فرد خود را درگیر رفتارهای ارتقابخش سلامتی نمی‌کند. رابینز^۱ (۱۹۹۲) در پژوهش خود نشان داده است که پرستارانی که از افراد سالمند و نزدیک به مرگ مراقبت می‌کنند، اضطراب مرگ بالایی داشته و این مسئله موجب می‌شود تا از صحبت کردن درباره مرگ با بیماران خودداری کنند.

روان‌شناسان برای تبیین توانایی افراد، عقل و استدلال و همچنین عواطف و هیجان آنها از واژه‌هایی مانند هوش بهر^۲ (IQ)، هوش هیجانی^۳ (EQ) استفاده می‌کنند. مسئله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت فردی را در بین انسان‌ها موجب می‌شود، از ابتدای تاریخ مکتوب زندگی انسان مورد توجه بوده است. اما از آغاز مطالعه هوش، غالباً بر جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید شده، درحالی‌که امروزه نه تنها جنبه‌های غیرشناختی هوش، یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است (ونگ و لاو^۴، ۲۰۰۳).

یکی از تعاریفی که خیلی زیاد مورد استفاده قرار گرفته، تعریف وکسلر^۵ (۱۹۵۸) است. او هوش را به عنوان یک استعداد کلی شخص برای درک جهان خود و برآورده ساختن انتظارات آن تعریف کرد (به نقل از: کلاین^۶، ۱۹۹۱). بنابراین، از نظر وی هوش شامل توانایی‌های فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمندانه و برخورد مؤثر با محیط است. علاوه بر این، او تأکید می‌کند که هوش کلی را نمی‌توان رفتار هوشمندانه معادل دانست، بلکه باید آن را به عنوان جلوه‌های آشکار شخصیت به طور کلی تلقی کرد. بنابراین، از نظر وکسلر هوش می‌تواند اجتماعی، عملی و یا انتزاعی باشد و نمی‌توان آن را از ویژگی‌هایی مانند پشتکار، علایق و نیاز به پیشرفت مستقل دانست (پاشاشریفی، ۱۳۷۹، ۹۷). به طور کلی، هوش موجب سازگاری فرد با محیط می‌شود و روش‌های مقابله با مسائل و مشکلات و نگرانی‌ها را در اختیار او قرار می‌دهد. قاسم‌پور، جمال و سیدتازه‌کنند (۱۳۹۱)، وفائی، عسکری‌زاده و رحمتی (۱۳۹۰) و حیدری، خلیلی شرفه و خداپناهی (۱۳۸۸) با پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و هیجان‌خواهی، دریافته‌اند که بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با اضطراب مرگ، همبستگی منفی معناداری وجود دارد. علاوه بر بهره هوشی و هوش هیجانی، هوش سومی وجود دارد که آن را «هوش معنوی» نامیده‌اند.

۱. Robbins, I.

۲. Intelligence.

۳. emotional intelligence.

۴. Wong, C & Law, K.

۵. Wechsler

۶. Kline, P.

واژه «هوش معنوی»^۱ (SQ) در سال‌های اخیر مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. ایمونز^۲ در سال ۲۰۰۹، سازه جدیدی را با عنوان «هوش معنوی» مطرح کرد. او عنوان کرد، هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی است. اهمیت معنویت به عنوان بخش مرکزی تشخیص سلامت روانی در بین روان‌پزشکان و حرفه‌های سلامت روان در سال‌های اخیر مطرح شده است (رجایی، ۱۳۸۹). نازل^۳ (۲۰۱۴)، هوش معنوی را به عنوان توانایی نزدیک شدن به توانایی‌های فردی و منبعی برای شناخت بهتر، کشف معنی و تحلیل وجودی، معنویت و رفتارهای عملی تعریف می‌کند. هوش معنوی، برای حل مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر هوش معنوی، یکی دیگر از مفاهیم هوش که به عنوان جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می‌شود، مفهوم هوش هیجانی است. سالووی و مایر^۴ (۱۹۹۹)، برای اولین بار اصطلاح هوش هیجانی را مطرح کردند. منظور از هوش هیجانی، آن دسته از جنبه‌های زیربنایی رفتار فردی است که به طور کامل با توانایی‌های عقلانی و تفکری او متفاوت است. در واقع، هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های غیرشناختی است، دانش‌ها و مهارت‌هایی که بر توانایی رؤیایی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها - مقتضیات و فشارهای محیطی تأثیر می‌گذارد (بار-آن^۵، ۱۹۹۷). هوش معنوی و هیجانی، از جمله سازه‌هایی هستند که می‌تواند اضطراب مرگ را تحت تأثیر قرار دهند. مطالعات نشان داده است که جوامعی که اعمال مذهبی بیشتری انجام می‌دهند، اضطراب به مرگ کمتری دارند. معنویت، ترس از مرگ را کاهش می‌دهد و هوش معنوی زمانی نمایان می‌شود که فرد زندگی‌اش را با معنویت کامل سپری می‌کند (لوین^۶، ۲۰۱۶).

علی اکبری دهکردی، اورکی و برقی ایرانی (۲۰۱۳)، محمدپور (۱۳۹۰)، مرعی، نعیمی، بشلیده، زرگرو و غباری بناب (۱۳۹۱)، لطفی و سیار (۱۳۸۷) و نادری و روشنی (۱۳۸۹) در مطالعه خود دریافته‌اند، بین هوش معنوی و اضطراب مرگ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون در پژوهش آنها نشان داد از میان متغیرهای پیش‌بین، تنها متغیر هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده اضطراب مرگ بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، رشد هوش معنوی از میزان ترس از مرگ می‌کاهد.

شواهد حاکی از آن است که هوش معنوی و هوش هیجانی می‌تواند در کاهش اضطراب مرگ کمک کند و با توجه به آنکه معنویت به عنوان نیاز فطری انسان در خلال بزرگسالی افزایش می‌یابد و توجه

۱. spiritual intelligence

۲. Emmons, R.

۳. Nasel, D.

۴. Salovey, P & Mayer, J.

۵. Bar-On, R.

۶. Levin, M.

به این امر که انسان به عنوان یک موجود اجتماعی که هوشمند بودنش از وجوه تمایزش با سایر موجودات محسوب می‌شود و ناگزیر از داشتن زندگی اجتماعی است و همچنین راهکارهای تنظیم هیجان این اضطراب را کاهش می‌دهد. هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که کدام یک از متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی قدرت بیشتری در پیش‌بینی اضطراب مرگ دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود. کل جامعه مورد بررسی ۸۰۰ نفر دانشجوی دختر مشغول به تحصیل در ۱۳ رشته (روان‌شناسی و مشاوره ۱۳۰ نفر، تربیت بدنی ۴۰ نفر، علوم تربیتی ۱۰۰ نفر، حقوق ۷۰ نفر، زبان انگلیسی ۵۰ نفر، ادبیات فارسی ۵۰ نفر، مامایی ۶۰ نفر، حسابداری ۵۰ نفر، پرستاری ۴۰ نفر، کامپیوتر ۵۰ نفر، شیمی محض ۶۰ نفر، معماری ۵۰ نفر، برق ۵۰ نفر) بود. نمونه پژوهش مشتمل بر ۲۶۰ نفر از این دانشجویان بود که با توجه به جدول کرجسی^۱ به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

پرسش‌نامه اضطراب مرگ^۲: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۸۴ توسط ناهاریک^۳ و همکاران انجام گرفته است. این پرسش‌نامه در تحقیقات اولیه ۳۴ آیتم داشته است که بعد از اجرای مجدد، تعداد آیتم‌های آن به ۲۷ ماده کاهش پیدا کرده است. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از اصلاً درست نیست (۰) تا کاملاً درست است (۴ نمره) محاسبه می‌شود (به نقل از: فرجی، ۱۳۹۴). فرجی (۱۳۹۴)، پایایی آزمون را برای کل پرسش‌نامه مورد مطالعه براساس روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ به دست آورد. همچنین، برای روایی مقیاس از تحلیلی عاملی استفاده کرده است. یافته‌ها با توجه به تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی بعد از ۶ بار چرخش ۴ عامل به شرح و به ترتیب بیشترین بارعاملی استخراج شدند. سؤال‌هایی که ضریب همبستگی کمتر از ۰/۴۰ با نمره کل آزمون داشتند از فرم نهایی آزمون حذف شدند. براساس این پژوهش، پرسش‌نامه اضطراب مرگ از پایایی و روایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد و در پژوهش‌های روان‌شناختی و دین‌شناختی می‌توان از آن استفاده کرد. پایایی این پرسش‌نامه در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه هوش هیجانی^۴: این پرسش‌نامه توسط شوت^۵ و همکاران در سال ۱۹۹۸، براساس مدل نظری هوش هیجانی سالووی و مایر (۱۹۹۰) و برای سنجش هوش هیجانی ساخته شده است

۱. Krchsy

۲. Death Anxiety Quotient

۳. Naharyk

۴. Emotional Quotient

۵. Shoot

(به نقل از: اقبالی، ۱۳۹۳). این مقیاس دارای ۳۳ ماده می‌باشد و نمره‌گذاری آن به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱ نمره) تا کاملاً درست (۵ نمره) محاسبه می‌شود. در پژوهش شوت و همکاران (۱۹۹۸)، افرادی که نمرهٔ بالا در این مقیاس داشتند، گرایش به نمرهٔ پایین در عاطفه منفی و نمرهٔ بالا در هیجان مثبت نشان دادند (به نقل از: اقبالی، ۱۳۹۳). همچنین نمرات بالا در مقیاس مورد نظر با آلکسی تایمی پایین همبستگی نشان داده است. همهٔ این نتایج به‌عنوان شواهدی مبنی بر اعتبار ملاکی این آزمون در نظر گرفته شده است. خسرو جاوید (۱۳۸۱)، در پژوهش خود پایایی مقیاس هوش هیجانی را بر مبنای آلفای درونی، ۰/۸۱ گزارش کرده است. همچنین، نتایج این پژوهش بیانگر همبستگی منفی و معنادار هوش هیجانی با متغیرهای ملاک نظیر آلکسی تایمی، افسردگی و حالت اضطراب بود که این مسئله نشان‌دهندهٔ اعتبار ملاکی این آزمون است. پایایی این پرسش‌نامه در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه هوش معنوی^۱ در این پژوهش برای سنجش هوش معنوی از پرسش‌نامهٔ هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شده است. این پرسش‌نامه ۴۲ ماده دارد و نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ «کاملاً موافقم» تا ۵ «کاملاً مخالفم» انجام می‌گیرد. بدیع، سواری، باقری‌دشت بزرگ و لطیفی (۱۳۸۹)، برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرده‌اند و پایایی به دست آمده را به ترتیب، ۰/۸۵ و ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. پایایی این پرسش‌نامه در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. یافته‌های توصیفی و ضریب همبستگی هوش معنوی و هوش هیجانی با اضطراب مرگ

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
هوش معنوی	۹۹/۵۴	۱۶/۱۲	-۰/۵۷	۰/۰۰۱	۲۶۰
هوش هیجانی	۱۲۵/۵۳	۱۶/۶۳	-۰/۲۷	۰/۰۰۱	
اضطراب مرگ	۵۵/۱۸	۱۹/۱۴			

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیر هوش معنوی به ترتیب عبارتند از: ۹۹/۵۴ و ۱۶/۱۲، متغیر هوش هیجانی عبارتند از: ۱۲۵/۵۳ و ۱۶/۶۳ و در متغیر اضطراب مرگ ۵۵/۱۸ و ۱۹/۱۴ می‌باشد. همچنین، در ضریب همبستگی مشخص شد که بین هوش معنوی و اضطراب مرگ، رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد (۰/۰۰۱ = p). (۰/۵۷ = r)

به عبارت دیگر، با افزایش هوش معنوی، اضطراب مرگ کاهش می‌یابد و بعکس. همچنین، بین هوش هیجانی و اضطراب مرگ رابطه منفی معناداری وجود دارد ($r = -0.27$ ، $p < 0.01$). به عبارت دیگر، با افزایش هوش هیجانی، اضطراب مرگ کاهش می‌یابد و بعکس. از این رو، فرضیه‌های ۱ و ۲ پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند.

جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان بر روی متغیرهای پژوهش

ملاک	پیش‌بین	R	R ²	F	B	Beta	T	P
اضطراب مرگ	هوش معنوی	۰/۶۰	۰/۳۶	۲۸/۳۳	۰/۴۹۳	۰/۳۹۲	۶/۴۷	۰/۰۰۱
	هوش هیجانی				۰/۱۸۳	۰/۱۷۲	۲/۶۹	۰/۰۰۸

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی با اضطراب مرگ برابر ۰/۶ و ضریب تعیین ۰/۳۶ و نسبت F برابر با ۲۸/۳۳ است. به عبارت دیگر، ۳۶ درصد از واریانس اضطراب مرگ از طریق هوش معنوی و هوش هیجانی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، بالا بودن سطح هوش معنوی و هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده میزان پایین اضطراب مرگ در افراد است. بنابراین، فرضیه ۳ پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش هوش معنوی و هوش هیجانی در پیش‌بینی اضطراب مرگ دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که بین هوش معنوی با اضطراب مرگ دانشجویان رابطه منفی معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از تحلیل‌های آماری این یافته با مطالعات علی‌اکبری دهکردی و همکاران (۲۰۱۳)، لوین (۲۰۱۶)، محمدپور (۱۳۹۰)، مرعشی و همکاران (۱۳۹۱)، لطفی و سیار (۱۳۸۷) و نادری و روشنی (۱۳۸۹) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: اضطراب مرگ احساسی از نداشتن زندگی خوشایند در زندگی می‌باشد و فردی که از اضطراب مرگ رنج می‌برد، زندگی برای او لذت‌بخش نبوده و احساس بی‌معنی بودن می‌کند. یکی از راه‌های کاهش اضطراب و ترس از مرگ، روی آوردن به مذهب و گرایش‌های مذهبی می‌باشد و نشان داده شده که گرایش‌های منفی به مذهب، ترس از مرگ را افزایش می‌دهد (تورسون و پاول، ۲۰۱۵). پژوهش‌های فراوانی نشان داده است که معنویت، بنیاد و پایه نهادهای مذهبی است و اصولاً معنویت حس پیوسته فرد در ارتباط با خود، جهان، دیگران، و دنیای بالا است. بسیاری از تحقیقات بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در محیط‌های

مذهبی و جوامعی که ایمان مذهبی آنها بیشتر است، میزان اضطراب و بخصوص ترس از مرگ، به طور محسوسی کمتر از میزان آنها در محیط‌ها و جوامع غیرمذهبی است. چون افراد مذهبی زندگی را معنادارتر می‌یابند و امید به زندگی نزد آنان بیشتر است، پس اضطراب مرگ آنان کمتر است. مذهب برای افراد در برابر عوامل تنش‌زای محیطی نوعی سپردفاعی ایجاد می‌کند و عقاید مذهبی سلسله‌مراتب گسترده‌ای از آثار مثبت روان‌شناختی در افراد ایجاد می‌کنند (خدایاری فرد، ۱۳۸۵، ۸۸). در حقیقت، معنویت ترس از مرگ را کاهش می‌دهد و هوش معنوی زمانی نمایان می‌شود که فرد زندگی‌اش را با معنویت کامل سپری می‌کند (لوین، ۲۰۱۶). افرادی که دارای معنویت درونی شده و فعال می‌باشند و از حس اخلاقی و نوع‌دوستی قوی برخوردارند و انگیزه اصلی خود را در انسان بودن و حفظ کرامت او به منظور تقرب به درگاه خداوند جست‌وجو می‌کنند، با روی آوردن به معنویات، سلامت خود و دیگران را حفظ می‌کنند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶، ۶۴). اضطراب مرگ، که غالباً جنبه مذهبی و معنوی دارد، هرچند با افسردگی، اضطراب منتشر، افکار خودکشی همراه است، می‌تواند منجر به کاهش عملکرد فرد شود و با روش‌های زیر در اسلام مورد توجه قرار گرفته و دستورالعمل پیشگیرانه برای آن بیان شده است. براین اساس، طبق تعالیم اسلام سه روش عمده برای پیشگیری مورد توجه قرار گرفته است.

روش‌های شناختی: ایمان به خدا، توکل به خدا، اعتقادات به مقدرات الهی بینش به دنیا؛ روش‌های رفتاری: تغذیه حلال، فعالیت عبادی منظم و درست، روابط خانوادگی مطلوب، حمایت اجتماعی؛

روش‌های عاطفی معنوی: یادخدا، دعا، توسل به ائمه معصومین (ع) (قاضوی، ۱۳۸۹). از نتایج دیگر این پژوهش، اینکه میان هوش هیجانی و اضطراب مرگ دانشجویان رابطه منفی معناداری وجود دارد. نتایج حاصل با یافته‌های قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، وفائی و همکاران (۱۳۹۰) و حیدری و همکاران (۱۳۸۸) همسو است و یافته‌های پژوهشی آنها را تأیید می‌کند. در تبیین رابطه منفی هوش هیجانی با اضطراب مرگ، می‌توان اظهار داشت که امروزه برخلاف نظریه‌های اولیه بر مفید بودن هیجان، به رفتارها تأکید می‌کنند و دیدگاه عمومی بر این است که هیجان‌ها قبل از رفتارها واقع می‌شوند و فرد را با محیط فیزیکی و اجتماعی بهتر سازگار می‌کنند. هیجان با هماهنگ کردن فرایندهای ذهنی، زیستی و انگیزشی موجب می‌شود، وضعیت فرد با محیط تثبیت شود و فرد را با پاسخ‌های ویژه و کارآمد مناسب با مسائل مجهز می‌کند و در نهایت، موجب بقای جسمانی و اجتماعی وی می‌شود (قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). در حقیقت، اشخاصی که از هوش هیجانی برخوردارند، اضطراب کمتری را گزارش می‌کنند. در واقع، رابطه منفی بین هوش هیجانی با اضطراب مرگ را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که با توجه به اینکه افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند، توانایی رؤیایی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها - مقتضیات و فشارهای محیطی را

دارند. در نتیجه، فرد با نگاه و دیدگاهی متفاوت به ارزیابی رویدادها و وقایع منفی می‌پردازد و به ابعاد و جنبه‌های مثبت و فواید احتمالی آن رویداد در بلندمدت توجه می‌کند. در نتیجه، ناراحتی و تنیدگی کمتری را تجربه می‌کند و بهتر با آن رویداد کنار می‌آید. به عبارت دیگر، در مسائل تنش‌زا همچون مرگ، پذیرش مسئله و فکر کردن دربارهٔ چگونگی فائق آمدن بر واقعهٔ تنش‌زا با کاهش اضطراب ناشی از واقعهٔ تنش‌زا همراه است. از نتایج دیگر این پژوهش، اینکه هوش معنوی و هوش هیجانی می‌توانند اضطراب مرگ دانشجویان را پیش‌بینی کنند. نتایج حاصل با پژوهش‌های توسط آردلت و کوینگ (۲۰۱۶)، وینک و اسکات^۱ (۲۰۱۵)، پارک^۲، کوهن^۳ و هرب^۴ (۲۰۱۴)، داف و هونگ^۵ (۲۰۱۶)، قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، منصورنژاد و کجباف (۱۳۹۱)، محمدپور (۱۳۹۰)، وفائی و همکاران (۱۳۹۰) و نادری و روشنی (۱۳۹۰) همخوانی دارد و همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان اظهار داشت، روابط انسانی مبحثی بی‌کرانه است و برای آفرینش آن، شناخت نیازمندی‌ها و کیفیات روانی ویژه هر کس و ارضای آن از اهمیت بنیادی برخوردار است (الساندر و کارت، ۱۳۸۶، ۱۱۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مذهب، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در شخصیت سالم و وحدت روانی است و با سیستم ارزشی که بتواند به حیات معنی و هدف بدهد، مرتبط است و همچنین هوش هیجانی دربرگیرندهٔ نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و... شامل می‌شود. این هوش به فرد دیدی کلی دربارهٔ تجارب زندگی و نحوهٔ برخورد با مسائل و حل و فصل آنان می‌دهد. بنابراین، هوش هیجانی بالا نیز در کاهش اضطراب مرگ افراد مؤثر است. هوش معنوی، همچون هوش هیجانی یک ویژگی شخصیتی است که بر چگونگی افکار، احساسات و رفتار فرد در موقعیت‌های روزانه اثر می‌گذارد. به نظر می‌رسد معنویت و هوش معنوی موجب نگرش مثبت، معنادار و هدفمند به خود، دیگران و وقایع زندگی می‌شود (فرهوش، تقیان، جمشیدی و کشمیری، ۱۳۹۶). از آنجایی که نمونهٔ پژوهش تنها شامل دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود، لذا در تعمیم نتایج آن به گروه سنی دیگر و زنان غیردانشجو لازم است احتیاط بیشتری به عمل آید.

پیشنهادها:

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادها می‌شود که مطالعات و تحقیقات گسترده‌تری در خصوص ابعاد اضطراب مرگ در دانشجویان و سایر گروه‌ها و مقاطع مختلف انجام گیرد تا به این ترتیب، بتوان یک مدل کامل‌تری از وضعیت اضطراب و نگرانی افراد پیرامون مرگ در کشورمان طراحی کرد.

۱. Wink, P & Scott, J.

۲. Park, C.

۳. Cohen, L.

۴. Herb, L.

۵. Duff, R. & Hong, L.

منابع

- الساندر، آنتونی و کارت، جیم‌کت (۱۳۸۶)، آیین روابط مؤثر، ترجمه محمدرضآل یاسین، چ پنجم، تهران: هامون.
- اقبال، امیرحسین (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه هوش هیجانی و عوامل پیشگیری از فساد اداری از دید افسران ارشد نیروی انتظامی»، نظارت و بازرسی، دوره هشتم، ش ۳۰، ص ۱۰۹-۱۳۴.
- بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه و لطیفی، وحیده (۱۳۸۹)، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه هوش معنوی»، اولین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور تبریز.
- پاشاشریفی، حسن (۱۳۷۹)، نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت، تهران: سخن.
- حیدری، اسفندیار؛ خلیلی شرفه، فاطمه؛ خدائاهی، محمدکاظم (۱۳۸۸)، «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی»، روان‌شناسی، دوره سیزدهم، ش ۳، ص ۳۲۵-۳۴۱.
- خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۵)، گزارش آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور، تهران: دانشگاه تهران.
- خسروجواید، مهنناز (۱۳۸۱)، بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دهقان، کبری؛ شریعتمدار، آسیه و کلانترهمزی، آتوسا (۱۳۹۴)، «اثربخشی درمان مرور زندگی بر اضطراب مرگ و رضایت از زندگی زنان سالمند ساکن شهر تهران»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۲۲، ص ۱۵-۲۲.
- رجایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، پژوهش‌های تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ش ۲۲، ص ۲۱-۵۰.
- شریفی‌درآمدی، پرویز (۱۳۸۶)، هوش هیجانی و معنویت، تهران: سپاهان.
- فرجی، سحر (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین هوش هیجانی، بهره‌هوشی و نگرش مذهبی با اضطراب مرگ در دانشجویان، پایان‌نامه روان‌شناسی عمومی، بهبهان: دانشگاه پیام‌نور.
- فروهوش، محمد؛ تقیان، حسن؛ جمشیدی، محمدعلی و کشمیری، رقیه (۱۳۹۶)، «فرا تحلیل مطالعات هوش معنوی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال یازدهم، ش ۲۰، ص ۳۹-۵۸.
- قاضوی، سیدتقی (۱۳۸۹)، «زمینه‌های ایجاد اضطراب مرگ و راه‌های پیشگیری از آن در تعالیم اسلام»، راه تربیت، سال پنجم، ش ۱۱، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- قاسمی طوسی، فاطمه‌زهرا؛ شمسایی، محمدمه‌دی و مزدارانی، شه‌زاد (۱۳۹۵)، «بررسی اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ پرستاران بخش ویژه و ماما‌های بخش زایمان»، مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره دوم، ش ۴، ص ۸۵-۹۱.
- قاسم‌پور، عبدالله؛ جمال، سوره و سیدتازه‌کند، میرتوحید (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۴۸، ص ۶۳-۷۰.
- لطفی، محدثه و سیار، سمیه (۱۳۸۷)، رابطه بین هوش معنوی و سلامت روان افراد ۱۵ سال به بالا، پایان‌نامه روان‌شناسی عمومی، بهشهر: دانشگاه پیام‌نور.
- مرعشی، سیدعلی؛ نعمی، عبدالزهرا؛ بشلید، کیومرث؛ زرگر، یداله و غباری‌بناب، باقر (۱۳۹۱)، «تأثیر

آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دانشجویان دانشکده نفت الزهرا»، دستاوردهای روان‌شناختی، دوره چهارم، ش ۱، ص ۶۳-۸۰.

منصورنژاد، زهرا و کجیاف، محمدباقر (۱۳۹۱)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی (درونی، بیرونی) و جنسیت، با اضطراب مرگ در میان دانشجویان»، پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال دوم، ش ۱، ص ۵۵-۶۴.

محمدپور، فهیمه (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه هوش معنوی و اضطراب مرگ در دانشجویان»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

نادری، فرح و روشنی، خدیجه (۱۳۸۹)، «رابطه هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند»، زن و فرهنگ، سال دوم، ش ۶، ص ۵۵-۶۷.

وفایی، زینب؛ عسکری‌زاده، قاسم و رحمتی، عباس (۱۳۹۰)، «رابطه هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، ش ۳، ص ۴۹-۶۸.

Aliakbari Dehkordi, M, Oraki, Mohammad & Barghi Irani, Ziba, (2013), "The Relation Between Religious Orientation and Death Anxiety and Alienation Among Tehran Province Elderly", *Social Psychology Researches*, v. 1, n. 2, p. 180164-

Ardelt, M, & Koenig, C, (2016), The role of religious for hospice patients and relatively healthy older adults, *Research on Aging*, N. 28, P. 184-215.

Bahrami N, Moradi M, Soleimani M, Kalantari Z, & Hosseini F, (2013), Death Anxiety and its Relationship with quality of life in Women with Cancer, *Iran Journal of Nursing*, V. 26, N. 82, p. 51-61.

Bar-on, R, (1997), A measure of emotional and social intelligence, Chicago: Rand Mc Nally.

Blesky, J, (1999), *The Psychology of Aging*, Brooks/Cole Publication Company.

Duff, R. W, & Hong, L. K, (2016), Age density, religiosity and death anxiety in retirement communities, *Review of Religious Research*, n. 37, p. 19-32.

Emmons, R. A, (2009), Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern, *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), p. 3-26.

Grevenstein, D, & Bluemke, M, (2016), Who's afraid of death and terrorists? Investigating moderating effects of sense of coherence, mindfulness, neuroticism, and meaning in life on mortality salience, *Journal of Articles in Support of the Null Hypothesis*, 13 (1), p. 25-36.

Henrie, J, & Patrick, J. H, (2014), Religiousness, religious doubt, and death anxiety, *The International Journal of Aging and Human Development*, 71 (3), p. 203-207.

Huerta, Amelia & Yip, Martin, (2006), A study of religious certainty and death anxiety, project

proposal, WCP.

Kline, P, (1991), *Intelligence, the psychometric view*, London: Routledge.

Leming, M. R, (1980), Religion and death: A test of Homan's thesis. *Omega*, n. 10, p. 347.-364.

Levin, M, (2016), *Spiritual intelligence:Awakening the power of your spirituality and intuition*, London: Hodder&Stoughton.

Nasel, D. D, (2014), *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age /individualistic spirituality*, Unpublished thesis. Australia: The university of south Australia.

Park, C, Cohen, L. M, & Herb, L, (2014), Intrinsic religiousness and religious coping as life stress moderators for catholics versus protestants, *Journal of Personality and Social Psychology*, n. 59, p. 562-574.

Rice, j, (2009), *The relationship between humor and death anxiety*. Department of Psychology, copyright 2009 Missouri Western State University.

Robbins I, Lloyd C, Carpenter S, & Bender MP, (1992), Staff anxieties about death in residential settings for elderly people. *J Adv Nurs*, n. 17, p. 548-553.

Routledge C, Arndt J, & Goldenberg J L, (2004), A time to tan: Proximal and distal effects of mortality salience on sun exposure intentions. *Pers Soc Psychol B*, n. 30, p. 1347-1358.

Salovey, P, & Mayer, J. D, (1999), Emotional intelligence. *Imagination, cognition and personality*, p. 211-785.

Thorson, J.A, & Powell, F.C, (2015), Death anxiety in younger and older adults, In A: Tomer (Ed.), *Death attitudes and the older adult: Theories, concepts, and applications* (pp. 123-136). Philadelphia, PA: Brunner-Routledge.

Wink, P, & Scott, J, (2015), Does religiousness buffer against the fear of death and daying in late adulthood? Finding from a longitudinal study, *Journal of Germinology: Psychological Sciences*, 60 (4), p. 207-214.

Wong, C, Low, K, (2003), The effect of leader and follower emotion intelligence on performance and attitude, *Journal of the leader ship Quartely*, n. 73, p. 243-274.